

مقتل اصحاب الحسین (علیہ السلام)

شرح زندگانی یاران مظلوم امام حسین (علیہ السلام)
ترجمہ کتاب انصار العین فی انصار الحسین (علیہ السلام)

نوشتہ علامہ شیخ محمد سعادی (رحمہ)
ترجمہ: محمد صفری

سروشنامه	: سماوی، محمد، ۱۸۷۶ - ۱۹۵۰ م
عنوان و نام پدیدآور	: ابرار العین فی انصار الحسین، محمد سماوی
مشخصات نشر	: یاسین نور: ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۳۳۳ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۰۱-۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: حسین بن علی (ع) امام سوم - ۲۰ الی ۶۱ قمری - اصحاب
شماره افزوده	: صفری، محمد، ۱۳۵۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: الف ۲۰۹۱۱۳۹۰ الف ۲۰ الف ۲۲ BP/
رده‌بندی دیوئی	: ۲۹۷/۹۵۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۵۹۶۲

مقتل اصحاب الحسین (علیهم السلام)

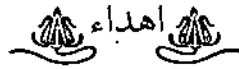
شرح زندگانی یاران مظلوم امام حسین (علیهم السلام)

نویسنده:	علامه شیخ محمد سماوی (ره)
مترجم:	محمد صفری
ناشر:	یاسین نور
حروفچینی:	قاسمی (رها)
چاپخانه:	سیمای کوثر (قم)
سال نشر:	۱۳۹۱
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۲۰۰۰ جلد
قیمت کتاب:	۶۰۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۰۱-۷-۰
ISBN:	978-600-92701-7-0

دفتر انتشارات و پخش: شهر ری بازار قدیم حرم بازار نو

تلفن: ۵۵۹۰۰۵۴۰ ۵۵۹۶۸۲۱۵

حق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر می‌باشد.



باسمه تعالی

هدیه به صاحب پالک و مقدّس و نورانی جناب عصمة الله
الکبری، حجة الله علی الخجج، أمّ أبیها، صديقة طاهره، سیّدة نساء
العالمین،

خانم حضرت بی بی فاطمة زهراء (سلام الله علیها)

همان مدافع مظلوم و غریب ولایت، که روایات ائمة معصومین،
مصیبتش را از مصیبت امام حسین (علیه السلام) و سارانش سنگین تر،
سخت تر و جان سوزتر دانسته اند.

محمد صفری

تهران - شعبان المعظم ۱۴۳۲ ه. ق.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي اجاز لنا من فضله ان ندعوه ونسأله واذن
 لنا في سآله من خاتمه فضله خطابه وامرنا بما يحسنه
 من نعمنا وامننا الايجاب والصلوة على من ارسلنا
 بالهدى ودين الحق فيبلغ سائر السنين عصا برصا به واما
 على كره واخفى امر المؤمنين عليها وذرته واجلته وبعد
 فقد طلب في العلم من قبل الفاضل العابد
 الزاهد الخليل الشيخ محمد رضا بن الشيخ الصغير فاعاين على
 الغيبي لها من قبل العاقل الشيخ الفقيه في الشريعة
 ان اجتهده ما صحت له رواية في تركه المظهر القديم
 من اهل الحديث فوضعت بين قدرا طاعة وطلب
 وبين الاحكام لاني لم اجد في قدومه وزيارته اثار الاشكال
 لان اهل الدراية الكابر اجازوا رواية الاطراف على اصحابه
 استغنى عنه سائر المسلمين وحفظه وحفظه قدس الله
 عن اساتذته في العلم والجليل باجماع كل من في
 العلوم العقلية والنقلية المصنف لها النسخة المرفوعة
 في دار الحديث في دار الحديث في دار الحديث في دار الحديث
 الحنفية في النسخة المرفوعة في دار الحديث في دار الحديث
 عليه من سنة اثني عشرة هجيرة من العلوم واجاز ان يثقله
 وبيان

وكان قد اضر فاخر عمره عند الفاني وبقى بعدها علمها
 من الفقه والعامة عن اساتذته من مشهورات الخليل
 الشيخ محمد حسن بن الشيخ باقر مصنف جوامع اساتذته
 منهم السيد محمد جواد العالم صاحب كتاب الكرامات
 عن اساتذته منهم السيد محمد العلوم السيد محمد بن
 الشيخ باقر عن اساتذته منهم الشيخ ابو عبد الله الفاضل
 البكر عن اساتذته منهم الزهراء الاقا محمد بن محمد
 منهم خاله العلامة محمد باقر الخليل صاحب كتاب الجواهر
 منهم ابو الطاهر محمد بن الطوسي الزاهد عن اساتذته
 منهم الشيخ المنيني في العلوم الشيخ محمد بن الحسين
 صاحب الدين السامي المحدث في بيان سيرة المعروف
 واختيرت هذه الطريق لانه مسلسل بالمجتهدين
 الى الشيخ الرباني والشيخ الرباني سند مسلسل اليه
 الى البخاري وهو محمد ذكره في الكتب كونه ولم يمانه
 من مشهورات اساتذته من مشهورات اساتذته من مشهورات
 عن المشهور الثاني قدس نفوس الجميع من مشهورات
 المربع فله سلمه الله ان يروي عن الادوات في مشهورات
 وانكبت المستغنى بان يقول في مشهورات في مشهورات

نمونه‌ای از خط مؤلف که در آن اجازه نقل روایت به مرحوم آیه الله طبسی داده‌اند.



مقدمه محقق گرانقدر جناب آقای شیخ محمدجعفر طبسی

حمد و سپاس مخصوص خداست و درود بر بهترین آفریده‌اش و برجسته‌ترین مخلوق خداوند محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش که حجت‌های خداوند بر بندگان هستند، بویژه حضرت بقیه الله الاعظم روحی و آواح العالمین لتراب مقدمه الفداء.

اما بعد: پس چگونه برای تاگوینان ستایشگران ممکن است که در حق یاران امام حسین (ع) و درباره مقام و منزلت آنها و جایگاه‌ایشان سخن بگویند؟ و آیا برای کسی که معصوم نیست و قاصر است، ممکن است که مدح و ستایش وصف آنها را آنگونه که شایسته آنها و حقشان است، ادا کند؟!؟

همانا من به ناتوانی و قصور خود اعتراف می‌کنم، و برای صحبت کردن از جایگاه رفیع آنها، راهی جز نقل روایاتی که از اهل بیت عصمت علیهم السلام درباره و تعریف و توصیف مقام و منزلتشان وارد شده است، نمی‌یابم.

آن بزرگواران، در هر جایی که صحبت از همدلی و یاری است، باوفاترین انسان‌ها و بهترین یاران از زمان پیدایش دنیا تا پایان آن هستند، این حقیقتی است که امام حسین (ع) در خطبه‌ای که برای ایشان در مدح و ستایش آنان است، ایراد فرموده است، پرتو افکن ساخته است:

«همانا من خدا را به بهترین وجه در آرامش‌ها و سختی‌ها ثناء و سپاگزاری می‌کنم، خدایا! تو را ستایش می‌کنم بر اینکه ما را به نبوت کرامت و بزرگی بخشیدی، و برای ما گوش‌ها و چشم‌ها و قلب قرار دادی! و به ما قرآن را آموختی، و ما را در دین خود آگاه فرمودی، پس ما را شکرگزار خود قرار بده! اما بعد: پس همانا من یارانی با وفاتر و بهتر از یاران خودم سراغ ندارم، و

خانواده‌ای مهربان‌تر و وظیفه شناس‌تر از خانواده خود سراغ ندارم، پس خداوند از ناحیه من به همه شما خبر عنایت فرماید...»^۱
و اما در عرصه شهادت نیز شهدایی مانند شهدای روز عاشورا از اولین و آخرین (در مقام و منزلت) وجود ندارد!!

این مطلب از امام محمدباقر (ع) به نقل از امیرمومنان (ع) وارد شده است که ایشان در توصیف مقام و منزلت شهدای کربلا فرموده‌اند:

«علی (ع) یاران خود رهسپار جنگ بودند، پس هنگامی که به یک میلی یا دو میلی کربلا رسیدند، مقابل یاران خود ایستاده و بر گرد محلی به نام «مقدفان» چرخیدند، سپس فرمودند: در اینجا دویست پیامبر خدا و دویست پیامبرزاده کشته شده اند، که همه آنها شهیدند، اینجا محل بر زمین افتادن سواران و مکان کشته شدن عاشقانی است که شهید خواهند شد، شهدایی که نه قبل از آنها و نه بعد از آنها کسی بر آنها یثی نگرفته و به مقام آنها نخواهد رسید»^۲.

گرچه برخی از روایات، شهدای بدر را در رتبه به شهدای کربلا ملحق ساخته‌اند، مانند روایت طبرانی که در حدیثی به سند متصل که به شیبان بن مخرم می‌رسد - که عثمانی بوده است - آورده است: من با علی رضی الله عنه بودم هنگامی که وارد کربلا شد، پس فرمود: «در این مکان شهدایی کشته می‌شوند که مانند ی جز شهدای بدر ندارد»^۳.

ولی ابن نما در کتاب مشیرالاحزان از میمون بن شیبان بن مخرم - که وی عثمانی بود - آورده است، که گفت: «ما با علی علیه السلام در سفر بودیم هنگامی که به کربلا رسید، بر محل بلندی نشست و سپس فرمود: «در این محل برترین و والاترین شهیدان به شهادت خواهند رسید»^۴.

و برای به دست آوردن یقین در اینکه مثل شهدای کربلا، شهدای وجود ندارد، اطلاق روایت منقول از امام حسین علیه السلام که مدح و ستایش آنها را فرموده است، کافی است، آنجا که فرمود: «... یارانی با وفاتر و برتر از یاران خویش سراغ ندارم...» که در این حدیث فضیلت و برتری آنها شامل

۱- الکامل فی التاریخ: ۵۷/۴ و تاریخ الطبری: ۳۱۵/۳

۲- بحارالانوار: ۲۹۵/۴۱، باب ۱۱۴، حدیث رقم ۱۸

۳- المعجم الکبیر: ۱۱۱/۳

۴- مشیرالآخوان: ۷۹



شهدای قبل و بعد از آنها نیز می‌شود.

و در مورد مقام و منزلت بالای شهدای کربلا در روایت آمده است که:
ام سلمه شبی در خواب رسول خدا (ص) را دید که به او خبر داد که هم
اکنون از کندن قبور برای حسین (ع) و اصحابش فارغ شده است.

این روایت را شیخ طوسی به سند خود از غیاث بن ابراهیم، از امام جعفر
صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

«روزی ام سلمه گریان بود، به او گفتند: برای چه گریه می‌کنی؟ (در
پاسخ) گفت: همانا امشب پسر من حسین کشته شد، و این بخاطر آن است که
من رسول خدا (ص) را در خواب ندیده بودم تا دیشب، پس وقتی او را
دیدم، افسرده و غمگین بود، پس عرض کردم: ای رسول خدا (ص) چه شده
که شما را افسرده و غمگین می‌بینم؟»

(در جواب) فرمودند: امشب پرسته برای حسین و یارانش قبر می‌کنم!.^۱
پس برای آنها همین عزت و افتخار و سربلندی کافی است که رسول
خدا (ص) با دستان مبارک خود، برای آنها قبر حفر می‌کند.

در خصوص جایگاه و مقام بالا و برجسته و منحصر به فرد آنها و نام‌های آنها
و نام‌های پدرانشان، در اخبار مربوط به حوادث و امور غیبی، وارد شده است!
در روایتی آمده است هنگامی که از ابن عباس دلیل ترک کردن امام
حسین (ع) را خواستند و او را به شدت مورد سرزنش قرار دادند، گفت:
«همانا یاران امام حسین (ع) را بدون هیچ کم و زیادتی قبل از شهادتشان به
نام می‌شناختیم!!»^۲

و محمد بن حنیفه (در این باره) گفته است: «و همانا نام یاران او و نام
پدرانشان، نزد ما ثبت شده و مکتوب بوده است!!»^۳
و چه زیبا تاریخ نویس سید محمد بن ابی طالب موسوی آنها را توصیف
کرده، آن موقع که می‌گوید:

«مردانی که به عهد خویش و پیمان خویش به نیکویی وفا کردند در

۱- أمالی الطوسی: ۹۰ المجلس ۳ و أمالی المفید: ۳۱۹، المجلس ۳۸، ح ۶

۲- مناقب آل ابی طالب: ۵۳/۴

۳- مناقب آل ابی طالب: ۵۳/۴



حالی که یقینشان خالص و معنویتشان زلال بود، هرگز ایمانشان را به ظلم آلوده نکردند و بخششان را به شک و تردید نیامیختند، در بندگی و اطاعت بدنهایشان را فدا کردند و با روحهایشان به یاری پرداختند، پس خداوند آنها را در دیوان خواص خویش ثبت نمود و آنها را با بزرگی و عظمتش و شرفش، سربلندی و بزرگی بخشید، و آنها را به درجه آقاهایشان ملحق گردانید و آنها را به درجه رهبرانشان ارتقاء داد، هنگامی که روح‌ها و جسم‌های خود را در جهاد با دشمنان و اطاعت و بندگی پروردگارشان فدا کردند و در مسیر، سختی‌ها و دشواری‌های فراوان در جنگ با اشیاء نصیبتان شد، در حالی که با قوت و نیرو و اراده استوار امتثال و اطاعت دستورات خداوند را می‌کردند و در راه او مبارزه می‌کردند و از سرزنش، سرزنش کنندگان هراسی نداشتند، خداوند نیز آنها را پس از انبیاء و مرسلین، برجسته‌ترین اهل بهشت و شهدا از اول تا به آخر قرار داد...^۱

و اما در مصادر و منابع تاریخی در مورد تعداد آنها متفاوت سخن گفته‌اند، ولی بالاترین تعدادی که تاریخ برای آنها ذکر کرده است کمی بیشتر از ۱۰۰ نفر بوده است (یارانی که در کربلا با امام حسین علیه‌السلام بوده‌اند) و همچنین نظر مصادر و منابع تاریخی در تعداد شهداء متفاوت است. ولی طبق نظر مشهور - همانطور که از شیخ مفید نقل شده است - تعداد آنها هفتاد و دو نفر بوده است.^۲ و در بین آنها از غیر بنی‌هاشم پنج نفر از اصحاب رسول خدا (ص)، و بیست و چهار نفر از اصحاب امیرمؤمنان (ع) به جز آن ۵ نفر از اصحاب رسول اکرم (ص)، چنانچه مرحوم شیخ مجتهد سماوی در این کتاب ثابت کرده است، حضور داشته‌اند، صاحب کتاب «الحسین سماته و سیرته» می‌گوید: «...اصحاب امام حسین علیه‌السلام - با وجود تعداد کم - برجسته‌ترین الگو و اسوه در وفاداری و فداکاری بوده‌اند، و در شجاعت و دلاوری و بی‌پروایی از سپاهیان کوفه برتر و بالاتر بوده‌اند و امام حسین علیه‌السلام در کلمات و خطبه خویش که در روز «عاشورا» بیان فرموده‌اند، عزم و اراده آنها را مورد ستایش قرار داده است، ...

۱- تسلیة المجالس: ۲/ ۳۴۶

۲- راجع الإرشاد: ۱۱۲/۲، الأخبار الطوال: ۲۵۹، تاریخ الطبری: ۳۳۶/۳

اما آنها، چنین اراده و عزمی را با بصیرتی نافذ و از روی آگاهی و علم‌الیقین به سرنوشت خویش، انتخاب کرده‌اند و با ایشاری که با جانهایشان برای آقایشان امام حسین(ع) کردند عین‌الیقینی برای تاریخ و ضرب‌المثلی برای همه نسل‌های بعد خود شدند.^۱

سماوی کیست؟

«او شیخ محمد پسر طاهر بن حبیب بن حسین بن محسن بن ترکی فضلی معروف به سماوی است، عالمی جلیل، شاعری مشهور و ادیبی معروف. در ۲۷ ذیحجه سال ۱۲۹۲ هـ. ق^۲ در سماوه متولد گردید و زیر نظر پدر رشد و نمو کرد، و ده ساله بود که پدرش وفات کرد، سپس به نجف اشرف برای کسب علم و دانش هجرت کرد و نزدیک یک ماه در آنجا بود و سپس مریض شد و پس از بهبودی دوباره به سماوه برگشت و در سماوه یک سال کامل بود، سپس در سال ۱۳۰۴ هـ. ق دوباره به نجف بازگشت و مبانی را از اساتید خود که مشهورترین آنها شیخ شکر بن احمد بغدادی و شیخ عبدالله بن معتوق قطیفی است، آموخت و ریاضیات را از شیخ آقا رضا اصفهانی و اصول و فقه را از شیخ علی پسر شیخ باقر صاحب جواهر و شیخ آقا رضا همدانی و سید محمد هندی و شیخ محمد طه نجف و شیخ حسن مامقانی و شیخ فتح‌الله معروف به شیخ شریعه اصفهانی و بزرگانی دیگر فرا گرفت. و از جمله دانشمندانی که به او اجازه اجتهاد دادند شیخ علی پسر شیخ باقر صاحب جواهر و سید محمد هندی و سید حسن صدر می‌باشد و تا سال ۱۳۲۲ هـ. ق در نجف باقی ماند و بعد از آن به وطن خود بازگشت و تا سال ۱۳۳۰ هـ. ق در آنجا ماند، آنگاه از بغداد فراخوانده شد و در مجلس خاص ولایت منصوب شد و در همان موقع جنگ جهانی اول رخ داد و در دوران اشغال انگلیسی‌ها به نجف بازگشت و تا زمانی که به عنوان قضاوت برگزیده شد، در آنجا باقی ماند، پس در طی دوران اشغال و دو سال از حکومت ملی، در آنجا ماند، و آنگاه به کربلا منتقل شد و چند سال در آنجا

۱- الحسین سماته و سیره: ۱۶۰-۱۶۱

۲- قد ذکر المرحوم سماوی فی إجازته الروائیة إلى المرحوم آية الله الوالد أنها كانت فی سنة ۱۲۹۳ هـ. ق، و الإجازة بخطه موجودة عندنا.



اقامت گزید و به بغداد منتقل شد و ده سال به عنوان قاضی و حاکم شرع خدمت نمود و در اواخر عمر بنا به درخواست خودش به نجف رفته و یکسال در آنجا بود و در اثر سوء تفاهمی که بین او و جناب سید محمد صدر به وجود آمد از مقام خود استعفا داد...

و سماوی شخصیتی علمی و ادیبی بی مثال بود، و بسیاری از اصول فضائل را در خود جمع کرده بود و به بهترین اهداف نیز دست یافته بود...^۱ شیخ جعفر نقدی گفته است:

«فردی فاضل است و درخت توانایی های او را در باغهای فضیلت سربرافراشته است و جویبارهای چشمه های او در اثنای کمالات جاری است»^۲ و عبدالکریم دجلی در روزنامه الیقظه (بیداری) گفته است:

«سماوی بهترین نسیم یک عالم در مدرسه قدیمی، با شیوه سخن گفتنش و نحوه گفتگویش و کیفیت لباس پوشیدنش و وزانت و تعقلش بود و او هر گاه در مجلسی حاضر می شد دل حاضرین را با تیزبینی خاص خودش و نکته بینی و توانایی حافظه اش وسعت خیالش تسخیر می کرد، او قادر بود که تو را از شعر، با مضامین عالی به بخشی از تاریخ و آداب و رسوم و سپس به احادیث و تفسیر کم نظیر منتقل کند و در کنار آن حدیثش را در کمال استحکام با عبارتی دقیق، مستند سازد، و تو را به کتابی که حاوی این حدیث کم نظیر یا آن نکته و یا روزنامه هایی که در آن درج شده و به سال چاپ آن در صورتی که چاپ شده باشد و به تعداد دفعات چاپ آن اگر متعدد باشد و حتی تحریف و تغییرات چاهی بین چند چاپ، راهنمایی کند!

و تو اگر سخنانش را می شنیدی، گویی به سخنان عالمی از علمای دوران اموی و عباسی در طریقه جوابش و اسلوب گفتارش و توانایی انتقالش از فنی به فن دیگر و از علمی به علم دیگر گوش فرا می دهی، پس از دوران علم المهدی را در کتاب مجالسش و قالی را در امالی و مبرد را در کاملش و جاحظ را در بیان و تبیینش، برایت تداعی می کرد. و از او تبسمی که عمق تفکر و بزرگی دانش و تلاش سالیان طولانی او را می خواندی، جدا نمی شد،

۱- شعراء الفری: ۲۷۵/۱۰

۲- شعراء الفری: ۲۷۸/۱۰

در حالی که دستش مشغول تناول خرما می‌برنوطی بود.

او در چهارم محرم سال ۱۳۷۰ هـ. ق در نجف وفات یافت و در همانجا دفن گردید، و بعضی تاریخ‌نویسان وفات او را در ضمن تاریخ وفات شیخ

جعفر نقدی که چند روز بعد از او وفات یافت، ذکر کرده‌اند.^۱

کحاله گفته است: «محمد بن طاهر سماوی، ادیب، شاعر و نثرپرداز بود، در سماوه متولد گردید و در همانجا رشد و نمو کرد و سپس به نجف رفته و علوم عقلی و نقلی را فرا گرفت و دوباره به سماوه بازگشت، سپس به بغداد مسافرت کرد، و به عنوان یکی از اعضای مجلس ولایت انتخاب گردید، سپس دوباره به نجف بازگشت، و منصب قاضی شرع را پذیرفت و به عنوان عضوی در مجمع علمی عراق انتخاب گردید.

از آثار او می‌توان به الطلیعة فی شعراء الشيعة، ابصار العين فی أنصار الحسين، ظرفة الأحلام فیما نظم فی المنام، الكواكب السماویة فی شرح القصيدة الفرز دقیة و شجرة الرياض فی مدح النبی الفیاض اشاره کرد.^۲

کتاب حاضر:

آغا بزرگ تهرانی گفته است: «کتاب ابصارالحسین فی انصار الحسین (ع) از علامه ماهر شیخ محمد بن طاهر سماوی است، که آنرا در اوائل قضاوتش در نجف اشرف تألیف نمود و سال ۱۳۴۳ هـ. ق در نجف چاپ کرد، سپس مطالبی را به آن اضافه کرد که در چاپهایی بعدی به طبع نرسید.^۳

و مؤلف، در این کتاب نام صد ودوازده نفر از یاران امام حسین (ع) را ذکر کرده است، کسانی که در روز عاشورا در کربلا در مقابل آن حضرت به شهادت رسیدند و چه کسانی که مجروح شدند و به شهادت نرسیدند مانند حسن مثنی و چه کسانی که قبل از روز عاشورا به خاطر یاری آن حضرت در بصره مانند سلیمان بن رزین و یا در کوفه مانند قیس بن مسهر صیداوی و مسلم به عقیل و هانی بن عروه و دیگران به شهادت رسیدند.

کتاب شامل یک پیش درآمد می‌باشد که مؤلف در آن به بیان زندگانی امام

۱- شعراء الغری: ۲۷۹/۱۰

۲- معجم المؤلفین: ۹۷/۱۰

۳- الذریعة إلى تصانیف الشيعة: ۶۵/۱

حسین(ع) از ولادت تا شهادت به اختصار پرداخته است. کتاب هفده مقصد و بخش دارد که مؤلف در هر یک از بخش‌ها به بیان قبیله‌ای از قبایلی که یک یار یا بیشتر از آنها، امام ابی عبدالله الحسین(ع) را یاری داده‌اند، پرداخته است. اما خاتمه کتاب شامل بیست فراز سودمند است که همه آنها به یاران امام حسین(ع) ارتباط دارد.



نوبت‌های چاپ این کتاب:

این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۴۱ هـ. ق در چاپخانه حیدریه نجف اشرف، و در سال ۱۳۴۳ هـ. ق چنان که صاحب ذریعه اشاره کرده است، در چاپخانه آداب در نجف اشرف، بدون ذکر سال چاپ، و در انتشارات بصیرتی ایران، در شهر قم، به صورت اُفتست، و یکبار دیگر نیز توسط همین انتشارات بدون ذکر سال چاپ، مجدداً به صورت اُفتست، و در سال ۱۴۱۴ هـ. ق باز هم به صورت چاپ اُفتست، توسط انتشارات سید رضی، به چاپ رسیده است.

شیوه تحقیق و پژوهش:

مدّت‌ها قبل علاقه‌ام مرا به تحقیق در مورد این کتاب ارزشمند واداشت، و زمانی که در خواست از آن همواره گشورشی می‌یافت و نسخه‌های آن در بازار یافت نمی‌شد، تصمیم به تحقیق آن گرفتم تا در چاپی جدید آن را در اختیار علاقه‌مندانش قرار دهم، در این نسخه به تصحیح اشتباهات چاپهای قبلی پرداختیم و آنچه را که مؤلف رحمه الله نقل کرده بود را با منابع اصلی مقابله کردم و در همان جا به منبعی که از آن نقل شده و محل آن، اشاره نموده‌ام. و مؤلف در نقل مطالب از منابع آن، غالباً نقل به معنی کرده است و برای حفظ امانت در آنجا که تفاوت‌ها زیاد بوده، به تفاوت آنها با منابع، اشاره کرده‌ایم. آرزو می‌کنیم که برادران محقق و پژوهشگر ما، با نظرات خود، ما را مورد لطف قرار داده، تا در چاپ‌های بعدی از آن بهره‌مند گردیم انشاء الله تعالی.



مقدمه استاد گرامی حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا جاودان

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب «ابصار العین فی انصار الحسین» (علیه وعلیهم السلام)، کتابی مغتنم و ممتاز است و با اینکه در این باب کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد از جمله فرسان الهیجاء در شرح احوالات اصحاب سید الشهداء، تالیف شیخ ذبیح الله محلاتی رضوان الله علیه و کتاب انصار الحسین شیخ محمد مهدی شمس الدین (ره) نویسنده مشهور لبنانی اما مع الوصف این کتاب همچنان ارزشمند و مفید و مغتنم است.

کتاب ابصار العین به دلایل متعدد از ارزش و امتیاز برخوردار است؛ اول اینکه نویسنده، یک نویسنده ادیب می‌باشد و عبارات زیبا و روشن اونشانی از این مسئله و حقیقت است و دیگر اینکه ماخذ او ماخذ فراوانی است که عبارتند از کتب رجال و مقاتل و تواریخ معتبره از جمله مقتل ابی مخنف و تاریخ طبری است و سوم اینکه یک تتبع تام در تالیف کتاب انجام شده که ده سال تمام در ماخذ و کتب مراجع معتبر انجام گرفته است، همه اینها و جوانب و ابعاد دیگر باعث شده است که کتاب او در نوع خود کتابی ممتاز باشد - چهارم اینکه عبارات دقیق و عین ماخذ درجه اول است.

چاپ اول در سال ۱۳۴۳ قمری در نجف اشرف انجام شده و بعدها در ایران بوسیله مکتب بصیرتی در قم بطریق افست چاپ تازه شده است، البته

حق این بود که کتاب تحقیق دقیق شده و مأخذ نشان داده شده و چاپ فنی جدید پیدا کند- این بنده سالها بود که در انتظار یک ترجمه از این کتاب بسیار مفید در زبان فارسی بودم و فکر می کنم این ترجمه ای که در دست خوانندگان است دو مین ترجمه ای باشد که در زبان فارسی انجام شده است و از نظر استحکام متن کتاب و از نشر تاریخی و مذهبی، باید آن را غنیمت شمرد، خدا را شکر که مترجم جوان و عربی دان موفق شده است همه دقایق کتاب را به خوبی به زبان فارسی بازگرداند و یک کتاب خوب برای فارسی زبانان و علاقمندان به نهضت کربلا در دسترس آنها قرار داده باشد.

و انه خیر موفق و معین

آغاز می‌کنم به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

پیشگفتار مؤلف

سپاس و حمد بی‌حد خدائی را سزااست که بندگان را به بوتۀ آزمایش درآورد تا آنان را یار یابد که کدامیشان نیکوکارترند و در مقام آزمایش گروهی از آنان به عهد و میثاق الهی وفا کردند و جمعی دگر نقض پیمان کرده و به سرنوشتی زیان‌بار گرفتار آمدند.

درود و سلام بر پیامبری که بر حق، مژده دهنده و ترساننده مردم بود و درود بر خاندان والا مقام او باد! که هر کدام از آنها در درجه صاحب شأن و مقامند (خاندانی که هر یک از ایشان در علو مقام، و فزونی شأن، شهرت بسزائی دارند). سپس سلام و درود بر شهید کربلا و یاران ارجمند او باد!

علاقة فراوان به شناخت انصار و یاران ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام و شور و شوق شدیدی که به درک شخصیت و مقام ایشان داشتم مرا واداشت که مدت ده سال تمام کتابهای رجال، مقاتل، رزمناام‌ها را مطالعه و بررسی نمایم تا به (مثال) شناخت چشم حقیقت را دریابم و مرا وادار نمود چون پرنده به دنبال دانه برخیزم و با خرید و عاریه توشه و زادی برگیرم و از خرمن هر کتابی چون کلاغ دانه‌ای برچینم، تا شرح حال کامل یاران حسین (علیه السلام) (جز اندکی از آنان را که در هیچ کتابی ندیدم) جمع‌آوری نمایم. پس از آن یاد داشت‌ها را پاکنویسی و مرتب و منظم نموده در پایان هر قسمت لغات مشکل آن‌را توضیح دهم تا خواننده گرامی دچار مشکل نشود و این مجموعه مطالب گردآوری شده را به نام «ابصار العین فی أنصار الحسین (علیه السلام)» یعنی (نگاهی دقیق به یاران حسین (علیه السلام)) یا بینا کردن چشم در

شناخت یاران حسین) نامیدم و موضوعات کتاب را به ترتیب زیر مرتب نمودم:

در آغاز کتاب گزارشی مختصر و کوتاهی از زندگی امام حسین (علیه السلام) را آوردم.

سپس در ضمن چند بخش هر کدام از قبیله ها و یاران آن حضرت را که از آن قبیله می باشند، یک به یک مورد بحث و بررسی قرار دادم و در پایان کتاب، نام اصحاب را به ترتیب حروف الفباء تنظیم نمودم تا دسترسی به شرح حال هر کدام از یاران به سهولت و سادگی انجام پذیرد.

این خدمت ناچیز را به پیشگاه حجت حق در زمین و آسمان و کسی که نام او را از بزرگترین نامهای خود جدا کرد (و برگزید) گل خوشبوی فرستاده‌ی خدا، نور چشم زهرای بتول (س)، میوه دل وصی و جانشین رسول (علیه السلام)، دلباخته باکبار قرآن، یکی از ۲ امانت بزرگ و سنگین محبوب برگزیده انس و جن حضرت اباعبدالله الحسین (صلوات الله و سلامه و رضوانه و اکرامه علیه)، تقدیم می‌دارم. امید است که مورد قبول واقع گردد.

يَا نَسِيمَ الْقَبُولِ بِاللهِ بِالشُّوْ

هُبَّ نَحْوِي فَالْرَوْضُ أَزْهَرُ مِنْ

۱- ای نسیم پذیرش الهی، با اشتیاق و با حسن برخورد و اتصال نیک به سوی من وزیدن گیر، چرا که

۲- خشنودی خداوند از اشک چشمان من به بار می‌شود و من به پذیرش خالصانه نیازمند.